

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هفدهم، شماره سوم

پاییز ۱۳۹۵، شماره مسلسل ۶۷

نقش قبیله شیعی بنو عبدالقیس

در حیات فرهنگی و اجتماعی کوفه در عصر حضور ائمه علیهم السلام

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۱

تاریخ تأیید: ۹۴/۷/۱۳

* مهدی سلیمانی آشتیانی

** نعمت‌الله صفری فروشانی

بنو عبدالقیس، از قبایل عربی شمال شبه جزیره هستند که از قرن‌ها پیش از اسلام، در بحرین قدیم (شامل: کویت، احساء، قطر و مجمع‌الجزایر بحرین کنونی) ساکن بوده‌اند. پس از تأسیس شهر کوفه، جمعی از افراد قبیله یادشده، به این شهر مهاجرت کردند و منشأ برخی فعالیت‌ها و تغییرها در مسائل فرهنگی و اجتماعی شهر کوفه در عصر حضور امامان شیعه علیهم السلام شدند. این نوشتار، پس از اشاره به پیشینه اسلام‌آوردن و تشیع‌گروی بنو عبدالقیس و سابقه محبت و ارادت آنها نسبت به خاندان پیامبر، حضور ایشان را در کوفه با روش توصیفی -

* دانشجوی دکترای شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب: msa0121@gmail.com

** دانشیار جامعه المصطفی العالمیه: Emam.hist.ory@gmail.com

تحلیلی و نیز بهره‌گیری از منابع رجالی شیعه و با هدف شناخت نقش فرهنگی و اجتماعی آنها، گزارش و جمع‌بندی کرده است. از این رو، مقاله پیش رو، به شناسایی پنجاه تن از شخصیت‌های حدیثی این خاندان در کوفه و معرفی آثار آنها در زمینه: حدیث، فقه، کلام و شعر، جایگاه آنان در جمع قاریان، مدرّسان قرآن و خطیبان، مناصب حکومتی آنها و سرانجام معرفی مساجد عبدالقیس، شامل: مسجد سهله، مسجد صعصعه بن صوحان و مسجد زید بن صوحان، به عنوان سه مسجد منسوب به این قبیله، همت گماشته است.

کلیدواژگان: بنو عبدالقیس، اصحاب امام صادق علیه السلام، قبایل شیعه، کوفه، تاریخ تشیع.

درآمد

قبیله عبدالقیس، از مهم‌ترین قبایل ساکن بحرین تاریخی بوده‌اند. می‌دانیم پیش از اسلام و تا حدود قرن هفتم هجری، به همه سرزمین‌های ساحل جنوبی خلیج فارس، بین بصره و عُمان، «بحرین» اطلاق می‌شده است.^۱ بنابراین، بحرین قدیم، شامل: کویت، احساء، قطر و در نهایت، مجمع الجزایر بحرین کنونی می‌شود. درباره مرزهای این ناحیه گفته شده که بحرین، از سمت مغرب، به سرزمین یمامه متصل است و از سمت شمال، به بصره و از جنوب، به عمان می‌رسد.^۲

قبیله عبدالقیس، از تهامه^۳ به بحرین قدیم مهاجرت کردند. بعد از اسلام، جارود بن معلی عبدی که از بزرگان عبدالقیس است، در رأس گروهی از سوی قبیله خود به محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مشرف شد و اسلام آورد^۴ و مسجد عبدالقیس در جوائای بحرین،^۵ به روایت بخاری، دومین مسجدی است که بعد از مسجدالنبی صلی الله علیه و آله در مدینه، در آن اقامه نماز جمعه شده است.^۶

گفته‌اند پیش از این جریان، منقذین حبان از قبیله بنی غنم از عبدالقیس، برای تجارت

به مدینه رفته بود. با پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ملاقات کرد و اسلام آورد. پیامبر به او سوره‌های حمد و علق را آموخت و او را با نام‌های به عبدالقیس، روانه بحرین نمود. شاید سفر این دانش‌آموخته قرآنی، اولین حضور اسلام در بحرین باشد.^۷ بعد از درگذشت پیامبر و جریان رده در بحرین، قبیله عبدالقیس از قبایلی بود که در برابر مرته‌ها ایستاد و بعد از آن نیز در اتفاق‌های جهان اسلام نقش داشت.^۸

با تکیه بر منابع تاریخی، تمام قبیله عبدالقیس یا عمده آنها، به تشیع و محبت نسبت به خاندان پیامبر معروف بوده‌اند. اینکه این گرایش، همان تشیع عام و حبی و یا سیاسی است یا اینکه می‌توان مرتبه‌های بالاتری از تشیع (مثل قول به نص)^۹ را در میان آنها نمایاند، به تحقیق‌های تفصیلی نیاز دارد. ریشه‌ها و نمودهای تشیع بحرین و قبیله عبدالقیس، در مقاله دیگری مورد بررسی قرار گرفته و در مجموع، یک قبیله شیعی یا عمدتاً شیعی دانسته شده است.^{۱۰}

با توجه به ارتباط عبدالقیس کوفه با امامان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، جمع بسیاری از آنها را می‌توان به عنوان اصحاب و راویان ائمه شناسایی کرد. به همین جهت، بهترین منبع برای پیگیری افراد این قبیله در عصر حضور ائمه و در کوفه شیعی، همان کتب رجالی شیعه، مانند: *الرجال نجاشی، الفهرست طوسی، الرجال طوسی، الرجال کشی، الرجال ابن غضائری، الرجال برقی، الرجال ابن داود و خلاصة الأقوال* علامه حلی است.

کتاب‌های: *علماء البحرين دروس وعبر* از مهتدی بحرانی که به صورت خلاصه ۲۷۰ نفر از شخصیت‌های شیعی بحرین را فهرست و معرفی کرده است و *قبیله بنی عبدالقیس* از علی کورانی و *عبدالهادی ربیعی* که در جست‌وجوی حضور فرهنگ و آموزه‌های تشیع در میان قبیله عبدالقیس و خدمات آنها به مکتب اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده است و همچنین، *اعلام هجر من الماضین والمعاصرین* از هاشم محمد الشخص از محققان هم‌روزگار ما که به

صورت گسترده‌تری به معرفی رجال و بزرگان و دانشمندان بحرین قدیم به ترتیب حروف تهجی پرداخته‌اند. این سه کتاب، بیشتر به شرح حال علما و دانشمندان و شعرای بحرین از قرون میانی به بعد و تا روزگار معاصر پرداخته و در مورد رجال شیعی عبدالقیس در دو قرن نخست هجری نیز، یا در مقام استقصای کامل نبوده‌اند و یا از آنجا که به دنبال لفظ «بحرانی» بوده‌اند، موفق به گردآوری درستی از رجال عبدالقیس نشده‌اند. از سویی نیز هیچ‌کدام در مورد «عبدالقیسی‌های کوفه» متمرکز نبوده‌اند.

برای تعریف فرهنگ که در موضوع مقاله آمده، ساترلند^{۱۱} و وودوارد^{۱۲} گفته‌اند: فرهنگ، شامل هر آن چیزی است که بتواند از نسلی به نسلی دیگر منتقل شود؛ یعنی همان میراث اجتماعی؛ اما تایلور^{۱۳}، مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ و تمدن را به یک معنا و مفهوم گرفت و گفت: «فرهنگ، کلیتِ درهم‌تافته‌ای شامل: دانش، دین، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌ی که آدمی همچون هموندی (عضویت) از جامعه به‌دست می‌آورد.»^{۱۴}

بدین ترتیب، «حیات فرهنگی» هر جامعه، آن بخش از زندگی روزمره، اقدام‌ها، آثار و میراث آن جامعه است که برای نسل‌های بعدی، باقی می‌ماند و هویت آن جامعه را شکل می‌دهد.

«حیات اجتماعی» هم آن بخش از زندگی شهروندان یک جامعه است که ناشی از دیگرخواهی آنان یا توجه آنها به دیگری باشد. حیات اجتماعی، خود را در قالب «سازمان اجتماع» یا همان روابط و فضاها و قواعد دوستی و دشمنی، کلیت، انسجام، اشتراک، منافع همگانی و چیزهای خوب دیگری از این دست، نشان می‌دهد؛ به تعبیر دیگر، «حیات اجتماعی» برآیند یا مجموعه عملکرد خوب یا بد و پایدار و ناپایدار همه نهادهای رسمی و یا غیررسمی اجتماعی (خانواده، آموزش، مراقبت، دین و...) و دربرگیرنده عملکرد مراکز اجتماعی، اجتماعات و پیوندهای اجتماعی است.^{۱۵}

شهر کوفه نیز مشهورتر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد.

در این نوشتار، با روش توصیفی - تحلیلی، حضور افراد قبیله عبدالقیس در کوفه، تأثیر فرهنگی - اجتماعی آنها و نقش آنان در حیات فرهنگی - اجتماعی کوفه و نیز شرکت افراد این قبیله در مظاهر تمدنی کوفه، مانند مساجد و آثار علمی ایشان در این شهر را به صورت گذرا بررسی می‌کنیم.

۱. عبدالقیسی‌های کوفه

پس از تأسیس شهر کوفه و توسعه آن در همان دهه‌های اول سده نخست هجری و با افزایش جمعیت در این شهر، سعدبن‌ابی‌وقاص به نسب‌شناسان دستور داد تا ساکنان را دسته‌بندی کنند و در نتیجه، مردم کوفه به هفت گروه (اسباع) تقسیم شدند.^{۱۶}

طبری به گزارش سیف‌بن‌عمر، این گروه‌ها را نام می‌برد که یکی از آن گروه‌ها، شامل: ایاد، عک، عبدالقیس، اهل هَجَر و ایرانیان است.^{۱۷} همو، گزارشی را از ابومخنف نقل می‌کند که فهرست گروه‌های ساکن در کوفه، در زمان خلیفه سوم و امیرمؤمنان، علی ع است و در این گزارش نیز قیس‌بن‌عیلان و عبدالقیس، یکی از آن گروه‌ها هستند.^{۱۸} در تقسیم‌بندی‌ها، هر قسمتی دارای امیری بود که امیر قیس و عبدالقیس، سعدبن‌مسعود ثقفی بوده است.^{۱۹}

از آنجا که به گزارش بلاذری، قبایل نزاری در سمت غربی کوفه مستقر شدند و دیگران نیز این قبیله‌ها را نام برده‌اند، می‌توان اطمینان یافت که عبدالقیس، در سمت غربی مستقر بوده‌اند.^{۲۰}

ماسینیون (د. ۱۹۶۲م.)^{۲۱} معتقد است که عبدالقیس، تحت ریاست زهره‌بن‌حویه سعدی تمیمی به کوفه آمدند.^{۲۲} در کوفه همچنین، جبانه و صحرائی نیز به عبدالقیس منسوب بوده است. جبانه یا صحرا، به فضای باز پیرامون قبیله گفته می‌شد که به تدریج برای دفن مردگان و گردهمایی‌های قبیله‌ای به کار می‌رفت.^{۲۳}



موقعیت عبدالقیس در کوفه بر اساس نقشه هاشم جعیت در تاریخ الکوفه، ص ۳۱۸

و بازسازی نقشه در کتاب اطلس غدیر و عاشورا، ص ۳۱

حضور عبدی‌ها در کوفه که دوستدار خاندان پیامبر بودند، هم کمک به فضای شیعی

کوفه بود و هم آنها نیز رنگ شیعی بیشتری می‌گرفتند. شاید فضای کوفه، از لحاظ شدت محبت و اتصال به اهل بیت علیهم‌السلام در حال تکامل و اوج بوده و در زمان‌های مختلف، تفاوت داشته است؛ به‌عنوان مثال، تعداد زیاد راویان عبدالقیسی امام صادق علیه‌السلام، نشان از اوج شیعه‌گری در کوفه در قرن دوم هجری است.

بررسی تأثیر و تأثر عبدالقیسی‌ها در کوفه در سال‌های بعد، مجال وسیع‌تری را می‌طلبد. در این نوشتار، تنها به ذکر محدثان و راویان کوفی امامان شیعه که اصالت عبدی داشتند یا به تعبیری «عبدی‌های کوفی»، بسنده می‌کنیم.

یکم: اصحاب و راویان امام علی علیه‌السلام

۱/۱. جُویریة بن مُسهر عبدی

به نقل ابن شهر آشوب، او مؤذن امیر مؤمنان علیه‌السلام بوده است^{۲۴} و حضرت به او محبت بسیاری داشت.^{۲۵} در کتاب‌های حدیثی نیز روایات فراوانی از او نقل شده است.^{۲۶}

۲/۱. رُشید هَجَری

اهل کوفه است و پس از شهادت، در باب نخيله کوفه دفن شد.^{۲۷}

۳/۱. زید بن صوحان عبدی

او از وطن خود، بحرین، به عُمان، مدینه و در نهایت، کوفه هجرت کرد.^{۲۸} مدتی نیز به دستور عثمان، از کوفه به شام تبعید شد.^{۲۹} در کوفه نیز مسجدی به نام او وجود دارد که دارای ادعیه مخصوصی است.^{۳۰}

۴/۱. صعصعة بن صوحان عبدی

او از اصحاب ممتاز و روات امیر مؤمنان علیه‌السلام است.^{۳۱} کشی، خطبه صعصعه را در مسجد کوفه در مذمت معاویه نقل کرده است.^{۳۲} صعصعه، از خطبای مشهور کوفه بوده و خودش را «خطیب صلیب رئیس» دانسته است.^{۳۳}

دوم: اصحاب و راویان امام باقر علیه السلام۵/۱. رقید (رقبة) بن مصقله عدی.^{۳۴}

۶/۱. عمر بن اذینه

او از چهره‌های درخشان و بزرگان اصحاب، و از عبدالقیس^{۳۵} یا موالیان آنهاست.^{۳۶} برخی گفته‌اند: نام او، محمد بن عمر بن اذینه بوده که به نام پدرش مشهور شده است. کشی، او را کوفی و موالی عبدالقیس دانسته است.^{۳۷}

۷/۱. نجم بن حطیم عدی.^{۳۸}

۸/۱. یونس بن ابی‌یعفور

شیخ طوسی در *الرجال*، او را از اصحاب امام باقر علیه السلام و کوفی دانسته است و دوباره در اصحاب امام صادق علیه السلام نیز نامش را ذکر نموده و او را از بنی‌اشیم می‌داند؛^{۳۹} ولی ابن حجر و ذهبی و دیگران، وی را برادر عبدالله بن ابی‌یعفور و عدی دانسته‌اند و گاهی او را توثیق کرده‌اند.^{۴۰}

۹/۱. عبدالکریم بن ابی‌یعفور عدی

او، برادر عبدالله بن ابی‌یعفور است. در کتب رجال، نام او نیامده است؛ ولی شیخ طوسی در *التهدیب و الاستبصار*، حدیثی را از او از امام باقر علیه السلام به نقل از برادرش عبدالله، روایت کرده است.^{۴۱}

سوم: اصحاب و راویان امام صادق علیه السلام

۱۰/۱. ابراهیم بن نعیم عدی، ابوالصباح کنانی

امام صادق علیه السلام او را به «میزان» توصیف نموده است. او، از قبیله عبدالقیس است؛ ولی چون در میان قبیله بنی‌کنانه زندگی می‌کرده، به «کنانی» معروف شده است.^{۴۲} شیخ مفید، ابوالصباح کنانی را در شمار «فقهای اصحاب» و بزرگانی که حلال و حرام از آنها گرفته می‌شود و از جمله صاحبان کتب و مصنفات، نام برده است.^{۴۳}

۱۱/۱. بشر بن صلت عدی.^{۴۴}

۱۲/۱. بکر بن محمد عدی.^{۴۵}

۱۳/۱. خریث بن عمیر عدی.^{۴۶}

۱۴/۱. حسن بن سری عدی

نجاشی، او را صاحب کتاب دانسته، طریق خود را به وی ذکر می‌کند. شیخ نیز در *الفهرست* او را گزارش کرده و کتابش را از طریق حسن بن محبوب نقل نموده و در *الرجال* در شمارش اصحاب امام صادق علیه السلام، الحسن بن سری العبدی الانباری، معروف به کاتب را آورده است.^{۴۷}

۱۵/۱. حسین بن حماد بن میمون عدی

کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام و از موالیان عبدالقیس بوده است. کتاب داشته و از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند و شاگردان و راویان او نیز داود بن حصین، ابراهیم بن مهزم و عبدالله بن مسکان بوده‌اند.^{۴۸}

۱۶/۱. حسین بن رماس عدی.^{۴۹}

۱۷/۱. قیس عدی.^{۵۰}

۱۸/۱. المثنی بن عبدالسلام عدی

بنا به قول شیخ طوسی، او از موالیان عبدالقیس، کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام است.^{۵۱}

۱۹/۱. محمد بن حمید عدی.^{۵۲}

۲۰/۱. محمد بن حنظله عدی.^{۵۳}

۲۱/۱. محمد بن شهاب بن علاف (علاق) عدی.^{۵۴}

۲۲/۱. محمد بن عبدالله بن شهاب.^{۵۵}

۲۳/۱. محمد بن مسلم عدی.^{۵۶}

۲۴/۱. محمد بن همام عدی، أبو شهاب.^{۵۷}

۲۵/۱. مسلمة (مسلم) بن سعید عدی.^{۵۸}

۲۶/۱. معاذ بن الأسود بن قیس عدی

کوفی تابعی و از اصحاب امام صادق علیه السلام است و شیخ طوسی در شرح حال او فرموده

است که معاذ با اسناد از امام، روایت دارد یا از او با اسناد، حدیث نقل شده است.^{۵۹}

۲۷/۱. معاویة بن عمار دهنی عبدی

کوفی، ثقه و از بزرگان اصحاب امام صادق علیه السلام است. پدرش، عمار بن خباب، از عامه بوده است.^{۶۰}

۲۸/۱. نصر (نصر) بن عبدالرحمن عبدی

کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام است. ممکن است با ابوالولید متحد باشند.^{۶۱}

۲۹/۱. نصر بن عبدالرحمن عبدی.^{۶۲}

۳۰/۱. حمید بن سری عبدی.^{۶۳}

۳۱/۱. خالد بن سری عبدی.^{۶۴}

۳۲/۱. حفص بن سلیم عبدی.^{۶۵}

۳۳/۱. خالد بن عامر مسلمی عبدی.^{۶۶}

۳۴/۱. خلیل عبدی

کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام و دارای کتاب بوده است. عبّیس بن هشام ناشری، از او روایت می‌کند.^{۶۷}

۳۵/۱. سفیان بن سعید عبدی.^{۶۸}

۳۶/۱. سفیان بن مصعب عبدی، شاعر.^{۶۹}

۳۷/۱. سلیمان بن عبدالرحمن عبدی.^{۷۰}

۳۸/۱. شریس بن ابو غماره عبدی.^{۷۱}

۳۹/۱. عبدالرحمن بن منذر عبدی.^{۷۲}

۴۰/۱. عبدالصمد بن بشیر غرامی عبدی

از موالیان عبدالقیس و کوفی است. او را با عبارت «ثقة ثقة» توصیف کرده‌اند.^{۷۳}

۴۱/۱. عبدالعزیز بن عبدالله عبدی بصری، خزاز

کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام است. او را ضعیف دانسته‌اند.^{۷۴}

۴۲/۱. عبدالاعلی بن زید، ابوشاکر عبدی.^{۷۵}

۴۳/۱. عبدالجبار بن مسلم عبدی.^{۷۶}

۴۴/۱. عبدالله بن ابی‌یعفور عبدی کوفی

از اجلّا و بزرگان روات و از قاریان و مدرسان قرآن در مسجد کوفه و موثق است و منزلتی نزد امام صادق علیه السلام داشته است. در ستایش او، روایاتی نقل شده است. او در ۱۳۱ هـ.ق. (سال طاعون) درگذشت. ابومحمد عبدالله، از موالیان کوفی و هم‌پیمان قبیله

عبدالقیس بوده است و به همین جهت، وی را عبدی نیز گفته‌اند.^{۷۷}

۴۵/۱. عبدالواحد بن سلمه عبدی.^{۷۸}

۴۶/۱. عطاء بن عامر عبدی کوفی

از موالیان عبدالقیس کوفه و از اصحاب امام صادق علیه السلام است.^{۷۹}

۴۷/۱. علی بن الحسن عبدی کوفی

وی از امام صادق علیه السلام، جابر بن یزید جعفی و البته بیشتر از سلیمان بن مهران روایت می‌کند.^{۸۰}

۴۸/۱. علی بن حسین عبدی.^{۸۱}

۴۹/۱. علی بن سری عبدی

کوفی و برادر حسن بن سری کوفی از اصحاب امام صادق علیه السلام است.^{۸۲} محقق خویی، احتمال داده است که او با علی بن سری کوفی یکی باشد.^{۸۳}

۵۰/۱. عمیر بن سَؤید عبدی.^{۸۴}

۵۱/۱. عیسی بن ابراهیم عبدی.^{۸۵}

۵۲/۱. منذر بن جُفیر ^{۸۶} بن حکیم عبدی

پدرش از روات امام صادق علیه السلام است. بنابراین، در طبقه، بعد از اصحاب امام صادق علیه السلام قرار می‌گیرد.^{۸۷}

۵۳/۱. خَریث بن عُمیر عبدی.^{۸۸}

۵۴/۱. عبدالعزیز بن عبدالله خزاز عبدی

کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام است. او را ضعیف دانسته‌اند. با عنوان «عبدالعزیز العبدی» در محاسن و کافی روایات بسیاری از وی نقل شده است. وی، کتاب داشته است.^{۸۹}

نمودار تعداد راویان عبدی کوفی به تفکیک ائمه علیهم السلام

تعداد راویان کوفی ائمه علیهم السلام، چنان که در *الرجال* شیخ طوسی آمده، حدود ۲۳۶۴ نفر است.^{۹۰} با وجود این، راویان عبدی کوفی با حدود ۵۰ نفر، جمعیت بسیاری نیستند؛ اما به نظر می‌رسد که وجود چندین راوی پُراهمیت و پُرحدیث در میان این افراد، جایگاه راویان عبدی کوفه را ممتاز می‌کند. افرادی همچون: ابراهیم بن نعیم (ابوالصباح کنانی)، ربیع بن عبدالله، عبدالصمد بن بشیر، عبدالله بن ابی یعفر، عمر بن اذینه، عمرو بن جمیع و معاویه بن عمار، در شمار راویان ائمه علیهم السلام از قبیله عبدالقیس در کوفه هستند که از همین

افراد، رقمی بیشتر از چهار هزار روایت در منابع حدیثی شیعه، نقل و گزارش شده است.

۲. کتاب‌های عبدالقیس کوفه

افرادی از عبدالقیس کوفه، دارای آثار و نوشته‌هایی در علوم مختلف دینی و ادبی بوده‌اند. این آثار را باید جزء نمودهای فرهنگی حضور عبدالقیس در کوفه دانست.

۱/۲. در حوزه فقه

۱. کتاب الحج، از معاویة بن عمار دهنی عبدی کوفی.^{۹۱}

۲. کتاب الصلاة، از معاویة بن عمار دهنی عبدی.

۳. کتاب یوم ولیة، از معاویة بن عمار دهنی عبدی.

۴. کتاب الطلاق، از معاویة بن عمار دهنی عبدی:

نجاشی، ضمن برشمردن کتاب‌های معاویة بن عمار، طریق خود را نیز نقل می‌کند.

۵. کتاب الزکاة، از معاویة بن عمار دهنی عبدی.^{۹۲}

۶. کتاب الفرائض، از عمر بن اُذینة:

نجاشی و شیخ طوسی، به این کتاب طریق نیز دادند.^{۹۳}

۲/۲. در دعا و زیارت

۱. کتاب الدعاء، از معاویة بن عمار دهنی عبدی.

۲. کتاب مزار امیرالمؤمنین، از معاویة بن عمار دهنی عبدی.^{۹۴}

۳/۲. کتاب‌هایی که از محتوا و موضوع آنها اطلاعی نداریم:

۱. کتاب اخبار صعصعة بن صوحان عبدی کوفی، از عبدالعزیز بن یحیی جلودی ازدی:

نجاشی، ضمن آثار عبدالعزیز جلودی، این کتاب را ذکر کرده است و از موضوع و مطالب آن نیز اطلاعی نمی‌دهد. بنابراین، نمی‌دانیم این کتاب، تاریخ و شرح حال شخص صعصعه

است که جلودی آن را جمع کرده یا روایات و اخباری است که صعصعه آن را جمع یا نقل نموده است.^{۹۵} البته با جست‌وجو در منابع و فهرس کتاب‌هایی مانند: *اخبار المختار*، *اخبار ذی‌القرنین*، *اخبار ابی محمد سفیان بن مصعب العبیدی و شعره*، *اخبار ابن ابی عقب و شعره* و...^{۹۶} به نظر می‌رسد، این گونه کتاب‌ها و در بحث ما کتاب *اخبار صعصعه*، باید ناظر به شرح حال افراد و وقایع باشد.

۲. کتابی از ابوالصبح کُنانی: نجاشی از محمد بن علی از علی بن حاتم از محمد بن احمد بن ثابت قیسی از محمد بن بکیر و حسین بن محمد بن سماعه از صفوان، کتاب ابوالصبح را نقل می‌کند.^{۹۷} ابن عقده نیز از ابی جید از ابن ولید از صفار از احمد بن محمد از ابن بزیع و حسن بن علی بن فضال از محمد بن فضیل از ابی‌الصبح و صفوان بن یحیی از ابی‌الصبح، همین کتاب را نقل می‌کند.^{۹۸}

در نتیجه، ظاهراً مراد شیخ از «اصل» در رجال، همان «کتاب» در فهرست است.^{۹۹}

۳. کتابی از عبدالعزیز عبیدی کوفی: نجاشی، کتابی را برای او گزارش کرده و طریق خود را به کتاب آورده است.^{۱۰۰}

۴. کتابی از ابو عبدالله، حسین بن حماد بن میمون عبیدی.^{۱۰۱}

۵. کتابی از عبدالله بن ابی‌یعفور عبیدی کوفی: درباره وی نوشته‌اند: کتابی داشته است که جمعی از اصحاب و از جمله ثابت بن شریح روایت کرده‌اند.^{۱۰۲}

۶. کتابی از عبدالصمد بن بشیر عُرّامی عبیدی.^{۱۰۳}

۷. کتاب مثنی بن عبدالسلام عبیدی کوفی: قاسم بن اسماعیل، این کتاب را نقل است.^{۱۰۴}

۸. کتاب عمر بن اُذینه: شیخ طوسی، ضمن ذکر این کتاب، سند خود را نیز نقل کرده است.^{۱۰۵}

۳. آثار عبدالقیس کوفه در قرائت، شعر و خطابه

عبدالقیس، عموماً به شعر، قرائت قرآن کریم و خطابه مشهور بودند و برخی از

عبدی‌های کوفیان نیز به همین اوصاف معرفی شده‌اند که از ایشان‌اند:

۱/۳. عبدالله بن ابی‌یعفور عبدی کوفی

از اجلاً و بزرگان روات و از قاریان و مدرّسان قرآن در مسجد کوفه و موثق است و منزلتی نزد امام صادق علیه السلام داشته است. در ستایش او، روایاتی نقل شده است.^{۱۰۶}

۲/۳. سفیان بن مصعب عبدی کوفی

کشی، به سند خود از امام صادق علیه السلام چنین نقل کرده است:

«یا معشر الشیعة علموا اولادکم شعر العبدی فانه علی دین الله.»^{۱۰۷} که مراد

از «عبدی»، سفیان بن مصعب عبدی است. در روایتی نیز امام صادق علیه السلام شعری از

او را انشاد کرده است.^{۱۰۸}

۳/۳. صعصعه بن صوحان عبدی

کشی همچنین، خطبه صعصعه را در مسجد کوفه در مذمت معاویه نقل کرده است.^{۱۰۹} صعصعه، از خطبای مشهور کوفه بوده و خودش را «خطیب صلیب رئیس» دانسته است.^{۱۱۰} برخی نیز او را در زمره بزرگ‌ترین خطبای عرب دانسته‌اند.^{۱۱۱}

۴/۳. زید بن صوحان

او، از قاریان کوفه است^{۱۱۲} و نیز مانند برادرش، دارای هنر خطابه بوده است. با سلمان فارسی الفت مخصوصی داشت و در امارت سلمان بر مدائن، به این شهر سفر کرد و خطبه خواند.^{۱۱۳}

۴. مناصب عبدالقیس در کوفه

منظور از منصب، شغل و جایگاه رسمی است که از طرف حکومت و دولت به افراد واگذار می‌شود. چند نفر از رجال حدیثی عبدی، دارای منصب حکومتی بودند که عبارت‌اند از:

۱/۴. جَویریه بن مُسهر عبدی کوفی

به نقل ابن شهر آشوب، او مؤذن^{۱۱۴} امیر مؤمنان علیه السلام بوده است.^{۱۱۵}

۲/۴ و ۳ و ۴. سیحان و زید و صعصعه (فرزندان صوحان)

سیحان بن صوحان، در جنگ جمل پرچمدار لشکر عبدالقیس بود. بعد از شهادت او، برادرش زید بن صوحان و پس از شهادت زید نیز برادر دیگرش صعصعه، پرچمدار لشکر امیر مؤمنان علیه السلام بودند. همچنین، صعصعه در جنگ صفین نیز جزو امیران لشکر امیر مؤمنان علیه السلام بوده است.^{۱۱۶}

۵. مساجد عبدی‌ها در کوفه

مسجد، یکی از مؤلفه‌های فرهنگی - تمدنی است. در کوفه قرن اول هجری، غیر از مسجد جامع، مساجد دیگری نیز وجود داشته که در منابع تاریخی و جغرافیایی از آنها نام برده شده است.

در این میان، هشت مسجد به عنوان مساجد مبارکه در روایات شیعی نام‌بردار است. این مساجد، عبارت‌اند از: سهله، بنی کاهل، صعصعه بن صوحان، زید بن صوحان، غنی، خنانه، جُعی و الحمراء.^{۱۱۷} مشخص است که از میان نه مسجد مهم و خوش نام کوفه (با احتساب مسجد جامع)، سه مسجد منسوب به بنو عبدالقیس بوده است که نشان از حضور مؤثر این قبیله در کوفه است.

۱/۵. مسجد عبدالقیس

ذکر این مسجد، در قضایای مربوط به قیام مختار و مجازات قاتلان کربلا آمده است.^{۱۱۸} ممکن است، همان مسجد سهله باشد که همچنین، به نام مسجد بنی ظفر^{۱۱۹} هم معروف بوده است.^{۱۲۰}

در دیدگاه شیعی، مسجد سهله دارای جایگاه مهمی است.^{۱۲۱} شیخ صدوق در *الخصال* از محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام در عداد مساجد مبارک کوفه، مسجد بنی ظفر^{۱۲۲} و مسجد سهله را جداگانه نقل کرده است؛ اما در دیگر منابع، مانند *الکافی* و *التهذیب*، همین روایت آمده و فرموده است: «ومسجد بنی ظفر وهو مسجد السهله». این روایت می‌رساند که

این دو، یک مسجد است و ظاهراً در *النخصال* یا نسخه‌های آن، سهوی روی داده است و حرف «و» اضافه باشد؛ چنان که علامه مجلسی فرموده و معتقد به اتحاد این دو مسجد شده است.^{۱۲۳}

ماسینیون، مسجد السهله، مسجد القری و مسجد الظفیر را نام یک مسجد دانسته و گفته است: این مسجد، به مسجد عبدالقیس نیز مشهور بوده و در ۲۸۶ق. مقدس و معروف بوده است.^{۱۲۴} براقی در *تاریخ کوفه* مسجد بنوظفر را همان مسجد سهیل می‌داند.^{۱۲۵} هشام جعیط در جدولی که بر اساس منابع پیشین ارائه کرده، معتقد است مسجد عبدالقیس، مسجد ظافر و احتمالاً مسجد سهله، یکی هستند.^{۱۲۶} فخرالدین طریحی نیز نوشته است: مسجد بنی‌ظفر، همان مسجد سهله است.^{۱۲۷} طبری نیز در ذکر قضایای قیام مختار ثقفی در کوفه، مکرر از مسجد عبدالقیس نام برده است.^{۱۲۸}

مراد از این تطویل، آن است که در قرون نخست اسلامی، مسجدی به نام قبیله عبدالقیس در کوفه مشهور و معروف بوده است و به احتمال قوی، همان مسجد سهله باشد. این مطلب، نشان از اهمیت و حضور مؤثر شیعیان عبدالقیس در کوفه است. خاطر نشان می‌شود، اگر بپذیریم که مسجد عبدالقیس، همان مسجد سهله است، این مسجد دارای اهمیتی ویژه در معارف شیعی خواهد داشت.

این مسجد، از اماکن و مساجد منسوب به حضرت ولی عصر علیه السلام است و در دو کیلومتری شمال غربی مسجد کوفه و دارالاماره واقع شده و هم‌اکنون نیز برجای مانده است و مورد توجه است.^{۱۲۹} برای مسجد سهله، ویژگی‌ها و امتیازهای فراوانی در روایات شیعی نقل شده است؛ از جمله: اقامتگاه پیامبران و صالحان، اقامتگاه ابراهیم، خضر و ادريس علیهم السلام، محل نزول فرشتگان، آرامگاه صالحان و پیامبران، حشر و نشر همگان به سوی مسجد سهله. همچنین، در احادیث فراوانی، مسجد سهله، به‌عنوان اقامتگاه شخصی امام مهدی علیه السلام و نیز جانشینان ایشان معرفی شده است. از امام صادق علیه السلام راجع به

مسجد سهله آمده است: «أما إِنَّهُ مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَدِمَ بِأَهْلِهِ؛^{۱۳۰} آنجا اقامتگاه مهدی است؛ هنگامی که همراه خانواده‌اش در آن اقامت می‌کند.»

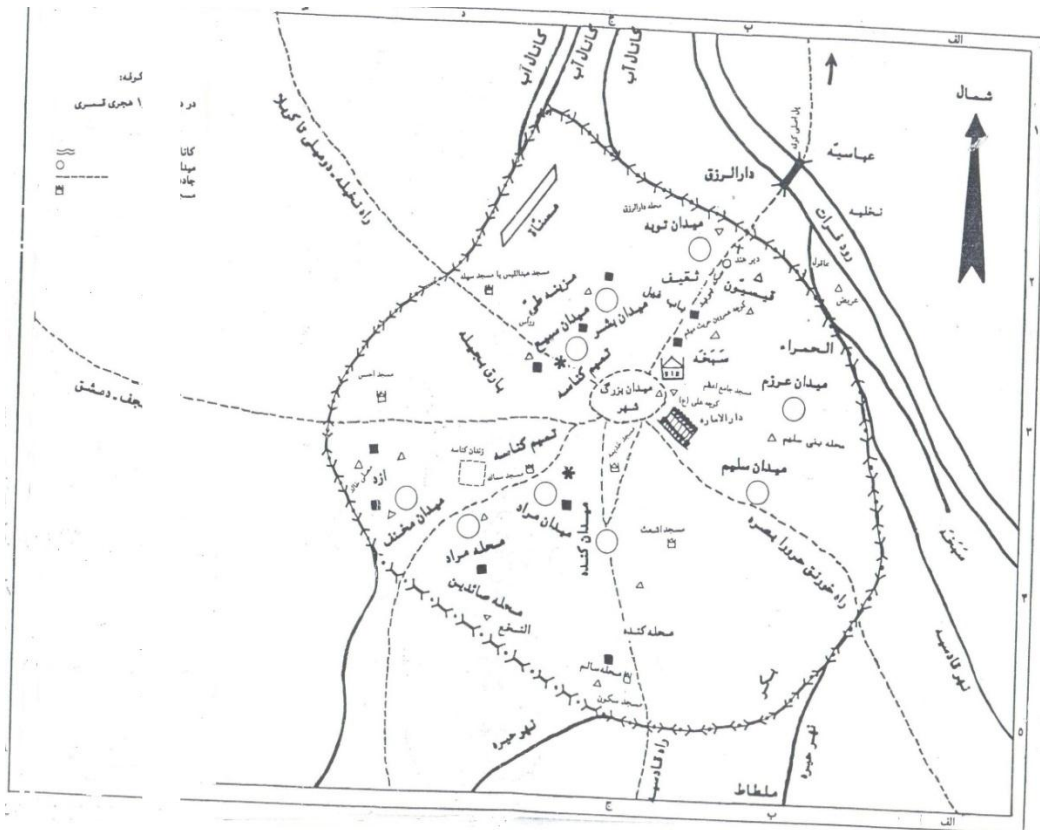
این گونه احادیث، سبب شده‌اند که در طول قرون متمادی، این مکان مورد توجه بزرگان شیعه و عموم شیعیان قرار گیرد؛ البته در منابع روایی، دلیلی بر اینکه در این مکان، به‌عنوان نام مهدی علیه السلام عملی عبادی انجام شود و یا زمان خاصی به یاد ایشان به این مکان رفت‌وآمد شود، وجود ندارد. مهم‌ترین عمل در مسجد سهله، دو رکعت نماز تحیت میان نماز مغرب و عشاء است. اگرچه مرسوم است که شیعیان در شب چهارشنبه به آن مسجد می‌روند، ولی در این زمینه، دلیل دینی در دست نیست. البته سیدبن طاووس گفته است: اگر خواستی به مسجد سهله بروی، آن را در میان مغرب و عشاء شب چهارشنبه قرار بده که افضل از دیگر وقت‌هاست.^{۱۳۱}

۲/۵. مسجد صعصعة بن صوحان

از مساجد مهم کوفه است که در شمال غربی کوفه در محله عبدالقیس و در کنار مسجد سهله قرار دارد.^{۱۳۲} به نقل سیدبن طاووس در *الإقبال*، امیر مؤمنان علیه السلام در آنجا نماز خوانده است.^{۱۳۳} جمعی از بزرگان، از علی بن محمد بن عبدالرحمن تستری جریانی در مورد نماز در ماه رجب در این مسجد نقل کرده‌اند.^{۱۳۴}

۳/۵. مسجد زید بن صوحان

این مسجد نیز در کنار مسجد سهله و مسجد صعصعه، از مساجد مقدس کوفه است و در شمال غربی این شهر و محله عبدالقیس قرار دارد. نماز تحیت و دعای مخصوصی نیز برای آن نقل شده است.



موقعیت مسجد عبدالقیس در کوفه بر اساس نقشه ماسینیون

در خط الكوفة، ص ۲۹

نتیجه

در این نوشتار، حضور شخصیت‌های علمی در حوزه‌های: حدیث، فقه، تفسیر، کلام و دیگر علوم اسلامی، حضور صاحب‌منصبان، قاریان، شاعران، خطیبان و همچنین، وجود آثار مکتوب علمی و ابنیه عمومی و خصوصی مانند: مسجد، محل‌های اجتماع و قبرستان (به‌عنوان برخی مؤلفه‌های فرهنگی - تمدنی)، از نمودهای حضور در فرهنگ و اجتماع قلمداد شده است. بنابراین، گزارش وجود بیش از پنجاه راوی عبدالقیسی از پیشوایان شیعه به‌عنوان واسطه انتقال و اشاعه فکر شیعی که بی‌شک در ترویج این تفکر در کوفه مؤثر بوده‌اند، پانزده عنوان کتاب و اثر از آنان در موضوعات حدیثی، فقهی و دعایی که در کتب فهرس و رجال حدیث شیعی ذکر شده است و همچنین، حضور شاعران، خطیبان، قاریان و صاحبان مناصب از افراد قبیله عبدالقیس در شهر کوفه، همگی نشان می‌دهد که بنو عبدالقیس در کوفه فعال و مطرح بوده‌اند.

سه مسجد منتسب به عبدالقیس از میان مساجد هشت‌گانه موصوف به مبارکه در کوفه و نیز جبانه، صحرا و قبرستان منتسب به عبدالقیس در مرکز شهر، نشانگر حضور جدی و تأثیرگذار آنها در فرهنگ، اجتماع و تمدن شهر کوفه، به‌عنوان یک شهر شیعی است. با شناسایی و معرفی شاخصه‌های پیش‌گفته و با استفاده از اطلاعات، آمار و نمودارهایی که آمد، میزان حضور و نقش قبیله عبدالقیس در عصر حیات امامان شیعه در کوفه، «مهم» و «قابل توجه» به نظر می‌رسد.

پی‌نوشت‌ها

۱. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد، کتاب العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، مؤسسه دارالهجرة، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۲۰.
۲. ابن‌رسته، الاعلاق النفیسة، ترجمه و تعلیق: حسین قرچانلو، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵ش، ص ۲۱۳.
۳. آن بخش از جزیره‌العرب است که در جنوب حجاز قرار دارد. در تعریفی دیگر، خود حجاز، دو ناحیه غربی و شرقی دارد؛ ناحیه شرقی آن، منطقه‌ای کوهستانی است که «حجاز» نامیده می‌شود و قسمت غربی آن، دشتی سرازیر به سوی دریای سرخ است که «تهامه» نام دارد. (ر.ک: حموی، یاقوت، معجم البلدان، تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۶۳)
۴. سمعانی، الأنساب، تحقیق: عبدالله عمر بارودی، بیروت: دار الجنان، الطبعة الأولى، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۳۵.
۵. جُوَاثی یا جُوَاثاء و جُوَاثا و یا جُوَاثا، شهر و قلعه‌ای از طایفه عبدالقیس در بحرین بوده است. از ابن‌عباس نقل شده است که: «أول جمعة جمعت بعد جمعة جمعت فی مسجد رسول الله ﷺ فی مسجد عبدالقیس بجوآثا من البحرین.» (ر.ک: یاقوت، معجم البلدان، پیشین، ج ۲، ص ۱۷۴؛ ابن‌عبدالحق، عبدالمؤمن، مرصد الاطلاع علی اسماء الامکنة والبقاع، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۵۳؛ بخاری، صحیح البخاری، تحقیق: مصطفی دیب البغا، بیروت: دار ابن‌کثیر، الطبعة الرابعة، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۱۷)
۶. بخاری، صحیح البخاری، پیشین، ج ۵، ص ۱۱۷.

۷. عینی، محمود بن احمد، عمدة القاری، تحقیق: دار إحياء التراث العربی، بیروت: ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۰۹.

۸. برای آشنایی مختصر با تاریخ قبیله بحرین پیش و بعد اسلام، رک: قییم، بهادر و مسعود ولی زاده، «نقش و عملکرد قبیله عبدالقیس در روند تحولات سیاسی جهان اسلام»، پژوهش نامه تاریخ اسلام، شماره ششم، تابستان ۱۳۹۱ش.

۹. منظور از شیعه به معنای عام، همان یاران و دوستان امام علی علیه السلام و فرزندان اوست که گاهی به «شیعه حبّی» تعبیر می شود و در میدان اجتماع و حکومت، به تشیع سیاسی تبدیل می گردد. منظور از شیعه اعتقادی نیز، اعتقاد به نص در جانشینی پیامبر است. برای این بحث، رک: فیاض، عبدالله، تاریخ الإمامة و سلفهم، بیروت: ۱۴۰۶ق، ص ۳۱؛ آقانوری، علی، «شیعه و تشیع مفهوم شناسی، ماهیت و خاستگاه»، شیعه شناسی، ش ۱۱.

۱۰. سلیمانی آشتیانی، مهدی و مهدی مهریزی، «تشیع و پیشینه آن در بحرین»، شیعه شناسی، ش ۴۲، تابستان ۱۳۹۲ش.

11. Sutherland .

12. Woodward.

13. Edward bunt taylor.

۱۴. آشوری، داریوش، تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران: مرکز اسناد فرهنگی آسیا، ۱۳۷۵ش، ص ۱۱۲ - ۱۱۳؛ مشبکی، اصغر، مدیریت رفتار سازمانی؛ تحلیل کاربردی، تهران: ترمه، ۱۳۷۹ش، ص ۴۳۶.

۱۵. چاوشیان، حسن، فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم، ویلیام آوتویت و تام باتومور، تهران: نشر نی، ۱۳۹۲ش، مدخل های «اجتماع» و «جامعه».

۱۶. برای تاریخ کوفه، رک: جعیط، هشام، الكوفة كوفة نشأة المدينة العربية الإسلامية، ترجمه:

- ابوالحسن سرفرد مقدم، با نام: *كوفه بيدایش شهر اسلامی*؛ براقی نجفی، سید حسین، *تاریخ كوفه*، ترجمه: سعید راد رحیمی؛ ماسینیون، لویی، *جغرافیای تاریخی كوفه*، ترجمه: عبدالکریم قنوت؛ صفری فروشانی، نعمت‌الله، *كوفه از پیدایش تا عاشورا*.
۱۷. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (م. ۳۱۰ق.)، *تاریخ الطبری (تاریخ الأمم والملوک)*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، القاهرة: دار المعارف، الطبعة الأولى، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۱۵۱ - ۱۵۲.
۱۸. همان، ج ۴، ص ۵۱۹.
۱۹. مزاحم منقری، نصر، *وقعة صفین*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی، دوم، ۱۳۸۲ق، ص ۱۱۷.
۲۰. بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، تحقیق: عبدالله و عمر انیس الطباع، بیروت: مؤسسه المعارف، الطبعة الأولى، ۱۴۰۷ق، ص ۲۸۶.

21. louis Massignon .

۲۲. ماسینیون، لویی، *خطط الكوفة وشرح خريطتها*، صیدا: ۱۳۶۵ش، ص ۱۱.
۲۳. براقی نجفی، سید حسین، *تاریخ الكوفة*، ترجمه: سعید راد رحیمی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۸۱ش، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.
۲۴. ابن شهر آشوب، محمد، *مناقب آل ابی طالب*، تحقیق: یوسف بقاعی، دار الأضواء، بیروت: الطبعة الثانية، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۹۰.
۲۵. ابن ابی الحدید، شرح *نهج البلاغه*، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، اول، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۹۰.
۲۶. صدوق، محمد بن علی، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۳۹.

٢٧. براقى نجفى، تاريخ الكوفة، پيشين، ص ١٠٢.
٢٨. شخص، هاشم محمد، اعلام هجر من الماضين والمعاصرين، بيروت: مؤسسة أم القرى، ١٤١٦ق، ج ٢، ص ٦٩.
٢٩. ابن عساکر، أبو القاسم، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: على شيرى، بيروت: دار الفكر، ١٤١٩ق، ج ١٩، ص ٤٢٩.
٣٠. ابن مشهدى، محمد بن جعفر، المزار، تحقيق: جواد قيومى اصفهانى، نشر قيوم، ١٣٧٧ش، ص ١٤٣.
٣١. طوسى، محمد بن حسن، رجال الطوسى، تحقيق: جواد القيومى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى، الطبعة الأولى، ١٤١٥ق، ص ٦٩، رقم ٦٢٥.
٣٢. همو، اختيار معرفة الرجال، (رجال الكشّى)، تحقيق: سيد مهدي رجائى، قم: مؤسسه آل البيت، ١٤٠٤ق، ص ٦٨ - ٦٩، رقم ١٢٣.
٣٣. طبرى، تاريخ الأمم والملوك، پيشين، ج ٤، ص ١٤٤.
٣٤. طوسى، رجال الطوسى، پيشين، ص ١٣٥، رقم ١٤٠١.
٣٥. نجاشى، احمد بن على، رجال النجاشى، تحقيق و نشر: قم: مؤسسه النشر الإسلامى، الطبعة الخامسة، ١٤١٦ق، ص ٣٨٣، رقم ٧٥٢.
٣٦. طوسى، رجال الطوسى، پيشين، ص ٣١٣، رقم ٤٦٥٥.
٣٧. كشّى، محمد بن عمر، اختيار معرفة الرجال، قم: مؤسسه آل البيت، ٧، ص ٣٣٥، ح ٦١٢.
٣٨. طوسى، رجال الطوسى، پيشين، ص ١٤٧، رقم ١٦٣١.
٣٩. همان، ص ١٥٠، رقم ١٦٦٤؛ همان، ص ٣٢٦، رقم ٤٨٥٤.
٤٠. مزى، يونس بن عبدالرحمن، تهذيب الكمال فى أسماء الرجال، تحقيق: بشّار عواد معروف،

- بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق، ج ۳۲، ص ۵۵۸، رقم ۷۱۸۹.
۴۱. طوسی، محمدبن حسن، تهذيب الأحكام، تحقيق: سيد حسن موسوی خراسان، تهران: دار الكتب الإسلامية، الطبعة الثالثة، ۱۳۶۴، ج ۳، ص ۱۳، ح ۲.
۴۲. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ج ۱، ص ۳۵۲، ح ۶۵۸.
۴۳. مفید، محمدبن محمدبن نعمان عکبری، الکافّة فی ابطال تویة الخاطئة، تحقيق: علی اکبر زمانی نجاد، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، الطبعة الأولى، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵.
۴۴. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۱۶۹، رقم ۱۹۶۳.
۴۵. همان، ص ۱۷۰، رقم ۱۹۷۹.
۴۶. همان، ص ۱۹۳، رقم ۲۴۰۷.
۴۷. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۴۷، رقم ۹۷؛ طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۱۲۸، رقم ۱۷۴.
۴۸. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۵۶، رقم ۱۲۴؛ طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۱۸۳، رقم ۲۲۱۰.
۴۹. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۱۸۳، رقم ۲۲۲۴.
۵۰. همان، ص ۲۷۲، رقم ۳۹۲۱.
۵۱. همان، ص ۳۰۵، رقم ۴۴۹۷.
۵۲. همان، ص ۲۸۱، رقم ۴۰۶۳.
۵۳. همان، ص ۲۷۹، رقم ۴۰۴۲.
۵۴. همان، ص ۲۸۶، رقم ۴۱۴۹.
۵۵. همان، ص ۲۸۷، رقم ۴۱۷۶.

۵۶. همان، ص ۲۹۴، رقم ۴۲۹۴.
۵۷. همان، ص ۲۹۷، رقم ۴۳۴۵.
۵۸. همان، ص ۳۰۳، رقم ۴۴۵۶.
۵۹. همان، ص ۳۱۲، رقم ۴۶۲۲.
۶۰. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۴۱۱، رقم ۱۰۹۶.
۶۱. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۳۱۵، رقم ۴۶۸۱.
۶۲. همان، رقم ۴۶۷۹.
۶۳. همان، ص ۱۹۳، رقم ۲۳۹۷.
۶۴. همان، ص ۱۹۸، رقم ۲۵۰۷.
۶۵. همان، ص ۱۹۰، رقم ۲۳۴۱.
۶۶. همان، ص ۱۹۹، رقم ۲۵۲۴.
۶۷. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۱۵۳، رقم ۴۰۴.
۶۸. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۲۰، رقم ۲۹۳۱.
۶۹. همان، رقم ۲۹۲۷.
۷۰. همان، ص ۲۱۶، رقم ۲۸۵۵.
۷۱. همان، ص ۲۲۴، رقم ۳۰۲۱.
۷۲. همان، ص ۲۳۶، رقم ۳۲۱۸.
۷۳. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۲۴۸ - ۲۴۹، رقم ۶۵۴.
۷۴. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۶۵.
۷۵. همان، ص ۲۴۱، رقم ۳۳۲۵.

۷۶. همان، ص ۲۴۲، رقم ۳۳۴۳.
۷۷. شبستری، عبدالحسین، الفائق فی رواة واصحاب الإمام الصادق علیه السلام، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۹۰.
۷۸. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۴۲، رقم ۳۳۳۲.
۷۹. همان، ص ۲۶۰، رقم ۳۷۰۷.
۸۰. خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: منشورات مدینة العلم، الطبعة الثالثة، ۱۴۰۳ق، ج ۱۲، ص ۳۷۸، رقم ۸۰۴۰.
۸۱. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۴۶، رقم ۳۴۲۸.
۸۲. همان، رقم ۳۴۱۸.
۸۳. خوئی، معجم رجال الحدیث، پیشین، ج ۱۲، ص ۳۷، رقم ۸۱۴۷.
۸۴. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۵۶، رقم ۳۶۱۷.
۸۵. همان، ص ۲۵۸، رقم ۳۶۴۹.
۸۶. در الفهرست و الرجال شیخ طوسی، نام او «جیفر» ثبت شده است.
۸۷. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۴۷۶، رقم ۷۶۷.
۸۸. همان، ص ۱۹۳، رقم ۲۴۰۷.
۸۹. همان، ص ۲۶۵، رقم ۳۸۰۹؛ نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۲۴۴، رقم ۶۴۱.
۹۰. شفیعی، سعید، مکتب حدیثی شیعه در کوفه، قم: مؤسسه علمی - فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۹ش، ص ۲۵۴.
۹۱. برقی، احمد بن ابی عبدالله، رجال البرقی، تهران: جامعه طهران، ۱۳۴۲، ص ۳۳.
۹۲. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۴۱۱، رقم ۱۰۹۶.

۹۳. همان، ص ۲۸۳، رقم ۷۵۲؛ طوسی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۳۲۴، رقم ۵۰۴.
۹۴. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۴۱۱، رقم ۱۰۹۶.
۹۵. همان، ص ۲۴۴، رقم ۶۴۰.
۹۶. رک: همان، ص ۱۷، ۱۸ و ۶۵.
۹۷. همان، ص ۲۰، رقم ۲۴؛ طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۵۲۵، رقم ۲۴.
۹۸. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۵۲۶، رقم ۸۴۰.
۹۹. خوئی، معجم رجال الحدیث، پیشین، ج ۱، ص ۲۱۵، رقم ۳۲۹.
۱۰۰. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۲۴۸، رقم ۶۵۴.
۱۰۱. همان، ص ۵۶، رقم ۱۲۴؛ طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۱۸۳، رقم ۲۲۱۰.
۱۰۲. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۲۳۰، رقم ۳۱۰۶.
۱۰۳. نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۲۴۸ - ۲۴۹، رقم ۶۵۴.
۱۰۴. طوسی، رجال الطوسی، پیشین، ص ۳۰۵، رقم ۴۴۹۷.
۱۰۵. همان، ص ۳۲۴، رقم ۵۰۴.
۱۰۶. همان، ص ۲۳۰، رقم ۳۱۰۶؛ نجاشی، رجال النجاشی، پیشین، ص ۲۱۳، رقم ۵۵۶.
۱۰۷. کشی، إختیار معرفة الرجال، پیشین، ص ۴۰۱، ح ۷۴۷.
۱۰۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، بیروت و طهران: دار صعب و دار الکتب الإسلامية، الطبعة الثالثة والخامسة، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۲۱۵.
۱۰۹. کشی، رجال کشی، پیشین، ص ۶۸ - ۶۹، رقم ۱۲۳.
۱۱۰. طبری، تاریخ الأمم والملوک، پیشین، ج ۴، ص ۱۴۴.
۱۱۱. ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست للندیم، ترجمه و تحقیق: محمدرضا تجدد، ۱۳۸۱ش، ص

۲۰۶.

۱۱۲. ابوالفرج، علی بن حسین، *الأغانی*، تحقیق: علی مهنا و سمیر جابر، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، ص ۱۶۷.

۱۱۳. ابن عساکر، *تاریخ مدینة دمشق*، پیشین، ج ۱۹، ص ۴۳۹.

۱۱۴. گفتنی است که سیمت «مؤذن»، از دوره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دارای جایگاه حکومتی بوده است و اذان گویی و حفظ اوقات اذان، از سوی پیامبر به بلال و ابومحذوره واگذار شده بود. گفته اند: عثمان، نخستین کسی بود که برای مؤذنان مستمری مقرر کرد. سالم بن عامر، سرپرست مؤذنان مسجد جامع فسطاط مصر از سوی عمرو عاص بود و قلقشندی نیز برای مؤذنان احکامی را در عصر عباسی نقل کرده است. (ر.ک: کتانی، عبدالحی، *نظام اداری مسلمانان در صدر اسلام*، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، ص ۵۳ - ۵۵؛ قلقشندی، احمد بن علی، *صبح الأعشی فی صناعة الإنشاء*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ج ۱۰، ص ۲۴۴ - ۲۵۹)

۱۱۵. ابن شهر آشوب، *مناقب آل ابی طالب*، پیشین، ج ۳، ص ۹۰.

۱۱۶. ابن سعد، محمد بن سعد، *الطبقات الکبری*، تحقیق: محمد بن صامل السلمی، بیروت: دار صادر، طائف: مکتبة الصدیق، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۲۲۱؛ طبری، *تاریخ الأمم والملوک*، پیشین، ج ۳، ص ۵۳۰.

۱۱۷. ر.ک: جنابی، کاظم، *تخطیط مدینة الکوفة*، بغداد: ۱۳۸۶ق، ص ۱۲۹؛ ابن مشهدی، *المزار*، پیشین، ص ۶۳.

۱۱۸. ابن مسکویه، احمد بن محمد، *تجارب الأمم*، تهران: سروش، ۱۳۶۶ش، ج ۲، ص ۱۷۳؛ طبری، *تاریخ الأمم والملوک*، پیشین، ج ۴، ص ۵۲۲.

۱۱۹. ر.ک: ابن سعد، *الطبقات الکبری*، پیشین، ج ۵، ص ۵۶۶. بنی ظفر بن ظفر بن محارب بن عمرو

- بن ودیعه بن لکیز بن افضی بن عبدالقیس، ظاهراً از بطون قبیله عبدالقیس هستند.
۱۲۰. الطریحی، مجمع البحرین، تحقیق: احمد حسینی، مکتب النشر الثقافة الإسلامية، الثانية، ۱۴۰۸ق، ص ۱۸؛ ابن مشهدی، المزار، پیشین، ص ۱۱۹.
۱۲۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار عليهم السلام، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۴۳۶.
۱۲۲. هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، تحقیق: عبدالله محمد درویش، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۲ق، ج ۷، ص ۴؛ طبرانی، سلیمان بن احمد لخمی، المعجم الكبير، تحقیق: حمدی عبدالمجید سلفی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثانية، ۱۴۰۴ق، ج ۱۹، ص ۲۴۴. نباید این مسجد را با مسجدی به همین نام در جنب بقیع غرقد در مدینه طیبه که در روایات عامه آمده است، یکی دانست.
۱۲۳. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق: علی اکبر الغفاری، بیروت: مؤسسه الأعلمی، الطبعة الأولى، ۱۴۱۰ق، ص ۲۰۰؛ کلینی، الکافی، پیشین، ج ۳، ص ۴۸۹، ح ۱.
۱۲۴. ماسینیون، خطط الكوفة و شرح خربطها، پیشین، ص ۲۹.
۱۲۵. جعیط، الكوفة كوفة نشئة المدينة العربية الإسلامية، پیشین ص ۶۷.
۱۲۶. همان، ص ۳۵۷.
۱۲۷. طریحی، مجمع البحرین، پیشین، ج ۴، ص ۳۸۷.
۱۲۸. طبری، تاریخ الأمم والملوک، پیشین، ج ۴، ص ۵۲۲؛ ابن اثیر، الكامل فی التاريخ، بیروت: دار صادر، ج ۴، ص ۲۳۴.
۱۲۹. ر.ک: جعیط، الكوفة كوفة نشئة المدينة العربية الإسلامية، پیشین، ص ۲۸۰؛ فروشانی، نعمت الله صفری، پیشین ص ۱۳۸.

۱۳۰. کلینی، الکافی، پیشین، ج ۳، ص ۴۹۵، ح ۲.
۱۳۱. محمدی ری شهری، محمد و همکاران، دانش نامه امام مهدی علیه السلام، قم: دار الحدیث، ۱۳۹۳ش، ج ۳، ص ۵۸.
۱۳۲. جعبط، الكوفة كوفة نشأة المدينة العربية الإسلامية، پیشین، ص ۳۵۸ و ۳۶۰.
۱۳۳. ابن طاووس، سید علی بن موسی بن جعفر، إقبال الأعمال، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، مکتب الإعلام الإسلامی، الطبعة الأولى، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۴۵.
۱۳۴. طریحی، مجمع البحرين، پیشین، ص ۹؛ ابن مشهدی، المزار، پیشین، ص ۱۴۳.